

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

A.R.M.D

آرشیف اسناد جنبش انقلابی

فرستنده: طارق از افغانستان

۱۱/۰۲/۰۲

کارگران جهان متحد شوید!



”توای شهید وفا!
صدای گرم تو در سیکرائی جاراست
صفای یاد تو در جادوای جاراست
دبوغ تلخ تو خون گریه سینه جهان
نوی داد تو فریاد جادوان زمان
توای ستاره خونین!
که رسته در تن تو خنده های تازه زخم
مزروب زندگی تو طلوع خورشید است“

”رهبر“ به جاودانگی پیوست



شامگاه شنبه هفتم دلو ۶۸ مطابق ۲۷ جنوری ۹۰ نوکران آبی
و آدمکشان خونری صدیق ترین و پاکیزه ترین نورزند خلق عبدالقیوم
”رهبر“ رهبر سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (رسا) و
جنبش متحد ملی. پایه گذار کمیته هفتگی برای مردم افغانستان
و بنیانگذار هوا داران جنبش افغانی مردم افغانستان رهبا مارا
در حمایت آبا د پش در شریک است که به حمایت رسانندند
رهبری شاد و خاطره اش گوی باد!

شهادت رهبر ملت متحدان افغانستان و بشریت مترقی را غرق
در غم و اندوه غیر قابل وصفی نموده است. چه قلب رهبر بشانه
یک رهبر ستورگ، مؤرخین متکبر، انترناسیونالیست افغانی، شاعر چیره دست و یک فرمانده جنگ
آزادیبخش ملی، در شرايطی از تپش بازماند که داستان نابکاران پرانیسم روس را صال خرد باخته
آن در تپانی و همافزایی پرانیسم امریکا، ارتجاع عرب و کورولان متعصب و بنیادگرایان رسوای
بومی عرصه زندگی و آزادی را در جواخلاق آتش خون تنگ ساخته اند تا مگر بتوانند سیاست
اجتاف و ستم شانرا در گور منافع پلید شان کالم سازند و در دست از همین سیاست آزمندان و
ریزیدانه شان است که رهبر موی از تبار خرد و عمل را که در سختترین شرایط جنبش آزادیبخش ملی
ما رهبا و رهبا، یار وفادار و مردمش بود و در نفس رستگاری مردمش را در آزادی ملی،
دموکراسی و عدالت اجتماعی به قله های شایخ میهن به اتم از در آورده بود ناجوانمردانه
خنجر زدند.

رهبر در سال ۱۳۲۰ (ه.ش) در یک خانواده متوسط الحال در قریه کلکان کوهستان در قریه ای استبداد
و اخذاتی سلطنتی دیده به جهان گشود ۱۰ و هنوز چهار سال از بهار زندگی خود را نگذشته بود

که پدار و پدر کلافش بجوم مخالفت با حاکمین در سر تسلیم نیاوردن به آنها به جوقه های دار رفتند. او با خانواده اش به قندهار تبعید گردیده در آنجا تحصیلات ابتدائی اش را به پایان رسانده و بعد وارد لیسه نجات از آنجا شام دارالعلوم شرعی و فارغ التحصیل آنجا گردید و پس از آن شام پوهنئی شرعیات و فقه و فنیقه مقدس معلمی را نیز پندیده نمود. همان بود که بعد در یک توطئه همیشگی دولتمداران در قتل رئیس دارالعلوم شرعی مدت دو سال اندکی را در زندان دهرنگ در بدترین کوره قلعی و شکنجه گذراند و بعد از آن برای ادامه تحصیل عالی وارد قاهره گردید مدت ده سال را در رشته حقوق خصوصی در آنجا سپری نمود و در سال ۱۳۵۶ وارد المان عزب شد و تا سال ۱۳۵۹ از طریق بنیاد تحقیقاتی ماسک پلانک در انستیتوت شرق در ها سورگ به تحقیقات پرداخت و در همین حال در پختن کیک به حیث استاد ایفای وظیفه می نمود.

"رهبر" در سه زبان معروف جهان انگلیسی، عربی و آلمانی کاملاً داشته و ترجمه آثار و مقالات انقلابی نیز از خود بجا گذاشته است.

"رهبر" در مدت مسافرتش ضمن خود سازی علمی و فکری اش به سازماندهی افکارها در خارج کشور و تماس گیری با سازمانهای خارج از کشور نمونه از همیشگی روی منافع خلق ها را تمییز می نمود.

"رهبر" بعد از تجاوز گستاخانه سوسیال امپریالیسم روس کمیته همیشگی برای مردم افغانستان را در المان عزب پایه گذاری نموده و در همین حال هماداران جنبش انقلابی مردم افغانستان را با هم جهت سازماندهی افکار و مینیم المان عزب بنیاد گذاشت و در همین حال ارتباط تنگاتنگ با جنبش داخل کشور را یکی از وظیفه مرکزی خویش می دانست.

"رهبر" در سال ۱۳۵۹ پس از آنکه برادر بزرگش عبدالحمید کلکانی مشعلدار مبارزات ضد استعماری و شخصیت کبر و قهرمان ملی رهبر سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) و مجاهد متمدنی را فاشیت ها روسی بعد از زندان و شکنجه بیارخ ۱۸ خوزای ۱۳۵۹ اعدامش نمودند و ارد میهن گردید.

"رهبر" بنا بر دانش ژرف و تهور انقلابی که داشت رفقای اش او را در کمترین زمان به رهبر خویش انتخاب نمودند و در زیر درفش مبارزاتی اش به پیکار و مبارزه ادامه می دادند.

شرکت مستقیم رهبر در مدت ده سال در جنگ آزادیبخش ملی مسلوبت از دستاوردهای بزرگ جهت رفائی سرزمین ما از یوغ بیگانگان ربیگانه پرستان، چه اندیشه، راه و روشی را که قیوم در این مدت در مقالات و نوشته هایش در عمل مبارزاتی اش از خود بجا گذاشته گنجینه گرانمای است جهت رفاه و آسایش انسان بلاکشیده سرزمین ما از چنگال چهار استعمار و امپریالیسم.

ندای رسای را که رهبر در طول این زمان به مورمشی بیرون میداد "ندای زنجیر گسی" بود

که پرده از چهره قبا پویشان "سبز پوش" و "سرخ پوش" بر میداشت و مأمیت پدید دگرید آنرا بر ملا
می ساخت و پله ترازوی خیانت و جنایت آنها را در ترازوی عدالت با منطق علمی و فقهی و با تبحر
واقفانه در معراج بی کفایتی و نابودی تاریخی شان به ارزیابی می گرفت. و امید مردش را
به سر زمین رستن از بند استعمار و بهره کشی بسوی جامعه آزاد، آباد و شکوفه زنده می ساخت.
رهبر، تنها یک تیوریتس و نویسنده علمی را اقتضای قضاوت به منافع مردش بود بلکه بضاعت
یک شاعر چهره دست جنگ آزادیبخش ملی ما در جنبه ادبی تاریخ کشور ما برج شده است.
چه خطاری را که از سر دوده حکایتی از دل دورانی می نمایا که فریاد دوزخیان روی زمین در
زیر شمشیر ستران اهریمنان دل سنگ را آب می کرد و رزعی را که می آفرید انجاش غروب استعمار
را بدر طلوع خورشید زخمکشان زنده نگاه میدارد که یقیناً پیام آن زوال تاریخی شبستان
ظلمت و روشنائی در دل فردا است.

رهبر نه تنها شرکت در جنگ آزادیبخش ملی را جهت آزادی و وظیفه معمولی خویش قرار داده بود
بلکه نقطه از نبود در جبهه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روحانی داخل نبود. بنابراین همین سیاست
عالمانه در دوران پیشانی وی بود که در هر شرایط و زمان سیاست های موزونانه رخا فله
خراب کن امپریالیسم و ایادی بومی آنها را در وجود کشف با اندک های خلق و پرسم "و چه
هم در تیرهای سیاه تاریخ زده احزاب وابسته به دالو ردینار را برای مردم فغانستان
و مردم متحد جهان افشا ساخته و زوال آنها را بنا بر میر تکامل علمی جامعه با خط خون
توسیم می نمود. درست از همین موضع بود که در مواقع مناسب به کشورهای جهان سفر می نمود
و پرده از روی دلالت دین و سیاست بازان و دخلکار دولت کابل و مدافعین آنها بر میداشت
و مأمیت زشت دلبیبا آنها را آشکار می ساخت.

"رهبر" منافع تاریخی زخمکشان را در موجودیت دموکراسی در مشی مستقل ملی و فقهی بی دافشاری
بر اصل عدالت اجتماعی در جنگ آزادیبخش ملی اساس قرار داده و خود بخاطر تحقق آن تادم
مرگ ایستاده گی نمود. مسلماً که تحمل موجودیت چنین شخصیت بزرگ و با عظمت و خون کوه
استوار در برابر منافع مردش برای استعمار و زواله خوران آنها خیلی سنگینی و طاقت فرساست
چه با موجودیت رهبر، منافع پدیدای را که در تقاضای خون مردم بلا کشید، ما دارند حرام
می دانستند و از همین جهت بود که آدمکشان حرفوی و مدافع خیانت و جنایت دست
از آستین توطئه بیرون کشید و او را به شهادت رساندند با خیال اینکه با مرگ
آن فضای آزادی و آزادی را با وابستگی و ننگ بودگی هفتوش سازند غافل از اینکه
اندیشه تابناک، ایدئولوژی مترقی و راه رسم اش را که ریشه در دل پر مهر مردم زده چگونگی
می توانند نابود سازند.

رهبر با ریختن خورش خط سرخنی به سوی شفق کشیده د در دل تاریخ کشور اش به
ابدایت پیوست .

وطن پرستان انقلابی !

اکنون مرگ رهبر و دیگر شهدای بخون خفته راه آزادی میمن از مای طلبید
که صرجه زودتر صدف خود را متحکم و چون کوه استوار در مقابل دشمنان بشریت
ایستاده گی نماییم . تا بتوانیم با حرکت از موضع اصولی و زمینده با خط روشن
انقلابی در زیر لوی پیشوایان کبیر "رهبر" آن بزرگ جنبش آزادیبخش ما با
یورش نفوذ آفرین بر دژ استثمار و استعمار جهانی از نو بیافرینیم .

درود پر شور بر روان پاک "رهبر" !

درود بر روان شهدای آزادی !

مرگ و نقیر بر آدمکشان حرفوی !

زنده باد آزادی !

اتحادیه کارگران افغان

مقیم المان غرب

۱۹۹۰ / ۲ / ۱۰